

مشایی، "کلک مرغابی" احمدی‌نژاد؟

فرخ حیدری

چهارشنبه 21 فروردین 1392

مشایی، "کلک مرغابی" احمدی‌نژاد؟ فرخ حیدری



فضای غالب سیاسی کنونی نشان‌دهنده پیچیدگی طرح فریب و مانورهای گمراه‌کننده تیم امنیتی احمدی‌نژاد است که چگونه و با چه حيله‌گری با ایجاد فضای اغتشاش ذهنی، همه‌ی نگاه‌ها را روی رحیم مشایی متمرکز کرده و در واقع با این "کلک مرغابی" همه تیرهای مخالفان و رقبایش را به سمت هدفی متحرک و غیرواقعی، منحرف کرده و به هدر می‌دهد... سوال اصلی این است که کاندید اصلی تیم احمدی‌نژاد در این انتخابات چه کسی می‌تواند باشد؟

حدود دو ماه به "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی باقی مانده و محافل مختلف و متضاد سیاسی داخل و خارج از کشور بطور روزافزونی، به بحث و گمانه زنی در این باره می‌پردازند. البته طیف گسترده اپوزیسیون رژیم اسلامی در تبعید و حتی بخش بزرگی از فعالین سیاسی در میهن اسیرمان ایران، از دیرباز و بدرستی، انتخابات در جمهوری اسلامی را اساساً "نمایشی" و فاقد مشروعیت اجتماعی و مغایر با معیارها و فرایندهای دمکراتیک دانسته و میدانند. بخصوص با در نظر گرفتن شیوه تعیین کاندیداهای مجاز برای ورود در این پروسه باصطلاح انتخابات - که طی سه دهه اخیر تماماً افراد خودی، مطیع ولایت و کارگزار همین رژیم جور و جنایت بوده اند - هیچ تردیدی در نمایشی بودن رای گیری و هیچ و پوچ بودن رای و نظر جمهور مردم، نبوده و نیست.

هرچند مجموعه بیش از سه دهه انتخابات مختلف در خیمه و خرگاه نظام آخوندی، همواره حول محور اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه (یا بقول خودشان عمود خیمه نظام) انجام گرفته است و همگی داوطلبان نیز چه برنده و چه بازنده، بهر حال مطیع امر رهبر و "ولی امر" نظام بودند و ورود و خروجشان در پروسه "انتخابات" پیچیدگی چندانی نداشت، اما ورود تیم احمدی‌نژاد به روند انتخابات آخوندی و ظهور این باند امنیتی در بالاترین سطوح اجرایی کشور، ابعاد جدیدی از "مهندسی انتخابات" و نمونه‌های بدیعی از طرحهای فریب و مانورهای گمراه‌کننده سیاسی را در "نمایش انتخابات" و رقابت "باندهای داخلی نظام" به نمایش گذاشت.

بیشتر همزمان با سفر تیم احمدی نژاد به نیویورک در مقاله "مشاور عالی جنابیت" نگاه نسبتاً مشروحی به این موضوع داشتیم که برای روشن تر شدن زمینه بحث کنونی در باره انتخابات جدید ریاست جمهوری، مراجعه به بخشهایی از آن مطلب ضروری است:

« در اواخر دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و "آغاز پایان" کارکرد "سیاست اصلاحات" در جمهوری اسلامی، ظاهراً با جمع بندی و تصمیم گیری نهایی رهبر و مسئولین امنیتی و سپاه جهت در پیش گرفتن سیاست جدید کشور، باند نسبتاً ناشناخته احمدی نژاد - هاشمی ثمره برای به عهده گرفتن بالاترین مسئولیتهای اجرایی یعنی ریاست جمهوری و تشکیل دولت و خلاصه قبضه قوه مجریه، در سال ۸۲ از تاریک خانه اشباح و پشت صحنه مافیای قدرت، بیرون آمده و وارد صحنه علنی سیاسی "ایران اسلامی" میشوند. البته در اولین قدم برای ایجاد شناخته شدگی نسبی در بین مردم و کسب حداقل آمادگی برای احراز مناصب عالی کشور، در یک چشم بهم زدن تشکیلات شهرداری پایتخت را تصاحب میکنند و بطور نامأنوسی فردی بنام "دکتر محمود احمدی نژاد" شهردار تهران میشود و از آن غریب تر فردی بنام "مهندس مجتبی هاشمی" بلافاصله بعنوان "مشاور ارشد" جناب شهردار منصوب میشود... دو سال بعد این کوتوله های سیاسی و البته سرداران مخوف نظامی- امنیتی براحتی "سردار سازندگی" و "امیرکبیر ثانی" و "استوانه نظام" و "شناسنامه انقلاب اسلامی" یعنی اکبر هاشمی رفسنجانی را به زانو درآوردند و احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور جدید نظام بلافاصله مجتبی هاشمی را بعنوان ارشدترین عضو کابینه و "مشاور عالی" خود برگزید...»

شاید جالب باشد که در همین جا یکی از این طرح های فریب را که هشت سال پیش توسط باند مذکور برای تضعیف و از دور خارج کردن رقیب اصلی خود یعنی هاشمی رفسنجانی به مرحله اجرا درآمد از زبان حجت الاسلام مهدی طائب، از مسئولین پرسابقه دستگاه اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی و استاد! دانشگاه وزارت اطلاعات و مربی آموزش تئوریک مامورین امنیتی و تروریستی رژیم، بشنویم:

« در جلسه ای که داشتیم یک عده مخالف ریاست جمهوری احمدی نژاد بودند و با آمدن قالیباف موافق بودند، یک عده قبول داشتند که احمدی نژاد رییس جمهور شود ولی قالیباف باید بیاید که سپر بلای احمدی نژاد بشود تا موافقان هاشمی به سراغ قالیباف می روند و او را مورد حمله قرار دهند و در نتیجه احمدی نژاد بالا بیاید، بنابراین قالیباف آمد و مطرح هم شد و دقیقاً سپر بلای احمدی نژاد شد و احمدی نژاد رییس جمهور شد...»

البته در مورد "مهندسی" انتخابات و چگونگی "انتخاب" خونین احمدی نژاد در سال ۸۸ نیز که دیگر نیاز چندانی به توضیح نیست.

بهرحال این روزها بحث و اظهار نظر و گمانه زنی در مورد کاندیدای احتمالی جناحها و باندهای مافیایی قدرت در نظام "عدل گستر" و سراسر "بهاری و حماسی" حاکم بر کشور، برای شرکت در "نمایش انتخابات" سخت بالا گرفته است. آن چه که از فضای سیاسی کنونی و وضعیت شکننده و ناپایدار رژیم و تعادل قوای داخلی و کنش و واکنشهای بین المللی میتوان استنباط کرد این است که جناح شکست خورده و از دور خارج شده اصلاح طلبان حکومتی بعد از ربع قرن همدستی و همکاری در تمام تبهکاری های این رژیم پلید، دیگر نقشی در قدرت نخواهند داشت و حتی حضور حاشیه ای آنان برای "گرم کردن تنور انتخابات" نیز منوط به ابراز ندامت و توبه از "فتنه ۸۸" شده است.

از طرف دیگر در طیف متشنتت ولی صاحب قدرت اصولگرایان، به نظر میاید مشاور ارشد ولی فقیه، علی اکبر ولایتی، با سابقه طولانی در تنظیم روابط ام القرای اسلامی با دنیای استکباری، کاندید مطلوب بیت رهبری باشد. هر چند داماد و

محرم خامنه ایی یعنی حداد عادل را نیز نباید از نظر دور داشت. در این میان البته یک دوجین کاندیدای محتمل دیگر و بخصوص آدمکشان بالفطره ی همچون پورمحمدی و فلاحیان و ... هم به اعتبار کارنامه سراسر جنایتشان مستقلاً عرض اندام میکنند! ولی ظاهرآ معمای اصلی باز هم کاندید دولت "مهروز" است که گویا مقرر شده تا ظهور "آقا امام زمان" پرچمدار دولت جهانی اسلام باشند.

در این رابطه تقریباً تمامی جناحهای حکومتی و مخالفین و رقبای سیاسی تیم احمدی نژاد و حتی برخی افراد و جریانات سیاسی بیرون رژیم نیز نگاهشان معطوف به "اسفندیار رحیم مشایی" شده است و این چه بسا نتیجه طرح فریب و مانورهای تاکتیکی و گمراه کننده ای است که اتفاقاً توسط افراد کلیدی دولت و حتی خود احمدی نژاد، بطور حساب شده ایی طی دو سه ماه اخیر مستقیم و غیر مستقیم انجام گرفته و دامن زده شده است. هرچند که "مشایی" طی دو سه سال اخیر بدلائل عدیده و بخاطر اتفاقات و تصادمات درونی در این نظام سیاهی و تباهی (که خارج از حوصله این بحث است) از پرحاشیه ترین و بحث برانگیزترین چهره های این نظام و دولت مربوطه میباشد و تحقیقاً از چشم ولی فقیه نیز بدرجائی افتاده است.

در عین حال بطور واقعی قابل درک است که هسته مرکزی دولت فعلی یعنی احمدی نژاد و حلقه یاران نزدیکش، با پایان یافتن دوره ریاست هشت ساله شان، به دلایل مختلف، خواهان واگذاری قدرت به جناحهای دیگر مافیای اسلامی و خروج بی تشنج از گردونه حکومت نیستند. این موضوع صرفنظر از رسالت خودخوانده و ابلهانه "وعده مهدی موعود" و "مدیریت جهانی" همچنین مبین این واقعیت است که در نظام آلوده و ضد مردمی ولایت فقیه که همه راهها به قدرت و ثروت ختم میشود، اصحاب حکومت بخوبی میدانند که به محض از کف رفتن شمشیر قدرت از چنگشان چگونه توسط رقبای تازه قدرت به کف آورده، خوار و زار میشوند یا در زیر پای گلابیاتورها و سرداران نظامی و امنیتی رقیب له میشوند...

از طرف دیگر نمیتوان انکار کرد که احمدی نژاد و عناصر باندش از پر سابقه ترین کارگزاران نهان و عیان جمهوری اسلامی و از پایه گزاران بسیاری نهادهای سیاسی و امنیتی این حکومت بوده اند که اساساً بود و نبود خود را در بود و نبود این رژیم می بینند. با این دید بسیار بعید به نظر میرسد که تیم احمدی نژاد علیرغم تضادهایش با جناحهای رقیب و حتی پدرخوانده مافیا، در پروژه حساس و مهم انتخابات درون نظام، راهبردی را در پیش بگیرد که همزمان باعث تضعیف جناح خودش و کل رژیم گردد. اتفاقاً یکی از دلایل اعتماد به نفس و غروری که بعضاً منجر به سرپیچی یا گردن کشی آنان در مقابل سیدعلی خامنه ایی شده همین نقش تعیین کننده و حیاتی است که در مقاطعی خاص و حساس، در حفظ و تثبیت نظام داشته اند. کسانی که از روزهای اول استقرار این حکومت غاصب و خودکامه، پاسدار و رئیس کمیته و رئیس انجمن اسلامی و بعداً بازجو و شکنجه گر و عضو جوخه های مرگ و مسئول امنیتی و ... سپس فرماندار و شهردار و استاندار و ... فرمانده قرارگاه و فرمانده تیم ترور و ... دادستان و حاکم شرع و وزیر و وکیل بودند.

بنابراین در شرایطی که رژیم رو به افول جمهوری اسلامی، در تنگنای مشکلات حاد سیاسی و اقتصادی در داخل کشور دست و پا میزند و فشارهای سنگین و رو به افزایش خارجی را نیز متحمل میشود، بشدت نیاز دارد که در انتخابات پیش رو، یک چهره روشن و مثبت از فضای کلی جامعه با حضور حداکثری مردم و یا حداقل با کمترین تنش و تشنج سیاسی، به افکار عمومی و قدرتهای غربی ارائه بدهد. طبعاً در چنین فضایی، حضور کاندیدایی همچون رحیم مشایی حتی اگر در همان قدم اول رد صلاحیت نشود با توجه به جو غالب سیاسی در جناحهای رقیب حکومتی، بهرحال منجر به افزایش تنش در بالا و متعاقباً ایجاد فرجه و فضا و شکاف اجتناب ناپذیری در پائین خواهد شد که چه بسا همچون انتخابات ۸۸ زمینه ساز فوران آتش فشان اعتراضات اجتماعی علیه تمامیت نظام گردد. ضمن اینکه به احتمال

قریب به یقین، رئیس جمهور مفروضی که پیشاپیش بعنوان "سرمنشا جریان انحرافی" مورد مخالفت اکثریت رقبای حکومتی و حتی نارضایتی شخص رهبر باشد، آنهم در چنین شرایط حساس و خطیری، نه تنها مشکلی از رژیم حل نمیکند بلکه قوز بالا قوز هم خواهد شد.

نکات مورد اشاره در بالا (و بسیاری نکات دیگر) موضوعاتی نیستند که در شرایط معمول از نگاه تیزبین بسیاری از فعالین سیاسی بیرون نظام دور بماند و یا مورد توجه باندهای داخلی رژیم که شناخت نزدیکی از رقبای خود دارند قرار نگیرد. اتفاقاً همین امر و فضای غالب سیاسی کنونی نشان دهنده پیچیدگی طرح فریب و مانورهای گمراه کننده تیم امنیتی احمدی نژاد است که چگونه و با چه حيله گری با ایجاد فضای اغتشاش ذهنی، همه نگاه ها را روی رحیم مشایی متمرکز کرده و در واقع با این "کلک مرغابی" همه تیرهای مخالفین و رقبایش را به سمت هدفی متحرک و غیر واقعی منحرف و به هدر میدهد... حال اگر این نظرگاه و تحلیل با توجه به مجموعه تجربیات و دانسته های تا کنونی مان، دارای پایه و اساس قابل قبولتری باشد، سوال اصلی این است که پس کاندید اصلی تیم احمدی نژاد در این انتخابات چه کسی میتواند باشد؟

برای یافتن پاسخ محتمل به این سوال، اجازه بدهید یکبار دیگر به همان مقاله "مشاور عالی جنابیت" مراجعه کنیم: « نکته بسیار مهم و قابل تامل، نقش و موقعیت کنونی مجتبی هاشمی در مجموعه ساختار تو در تو و متزلزل جناحهای گاهاً متخاصم درونی رژیم میباشد. بعنوان مثال در شرایطی که بخاطر تنشهای حاد درونی نظام و جنگ بی وقفه گرگها و کشاکش مافیای قدرت، هر روز یکی از ارکان و عناصر دانه درشت رژیم به زیر ضرب میرود و حتی تمامی مشاورین و نزدیکترین افراد به شخص رئیس جمهور همچون مشایی، بقایی، جوانفکر، رحیمی، ملک زاده، محصولی ... مواجه با اتهامات سنگین و گاهاً صدور حکم جلب و زندان میشوند، فقط یک چهره تا کنون دست نخورده و بدون حاشیه باقی مانده است و تمامی جناحهای رژیم ترجیح میدهند وارد حیطه حیثیتی او نشوند.

او در تمام سفرها و دیدارهای مهم داخلی و خارجی در کنار احمدی نژاد حضور دارد و برای دیدارهای بسیار مهم رسمی و غیر رسمی، نماینده تام الاختیار دولت جمهوری اسلامی میباشد. بیاد داریم که در سال ۲۰۰۶ برای یک ملاقات خیلی مهم سیاسی او به تنهایی به دیدار ژاک شیراک در پاریس رفت و یا در تمامی ملاقاتهای پنهان با نمایندگان دولت امریکا در زمان بوش پسر و همینطور دولت باراک اوباما، مجتبی هاشمی، مسئول اول هیئت اعزامی رژیم ایران بوده است.

این همه حرمت و حریم امن در میان جنگلی از گرگهای درنده، نشان از موقعیت و منزلت انکارناپذیر مجتبی هاشمی در بیت رهبری و در بین مسئولین مخوف امنیتی در پشت صحنه و همینطور در میان سرداران قدرقدرت سپاه در روی صحنه دارد...»

آیا اتفاقی است که در تب و تاب منازعات درونی حکومت و در رویارویی دولت احمدی نژاد با دیگر باندهای فاشیسم مذهبی حاکم طی دو سه ماه اخیر، همه جا رحیم مشایی در کنار احمدی نژاد حضور دارد، رئیس دبیرخانه کشور های عضو جنبش عدم تعهد میشود، مدال افتخار از او دریافت میکند، مردی بهاری لقب میگیرد و... در حالیکه مجتبی هاشمی ثمره، مشاور ارشد رئیس جمهور و "مغز متفکر" دولت و یار غار احمدی نژاد از دوران دانشجویی در دانشگاه علم و صنعت تهران، به شکل کاملاً محسوسی برای مصون ماندن از تیر و ترکش جنگ قدرت درونی، در تمامی صحنه های درگیری ظاهراً غایب است. فراموش نکنیم که احمدی نژاد بنا به گفته همراهانش، همه جا و در همه حال،

چه از دوران دانشجویی و مسجد دانشگاه علم و صنعت و چه در اتاق و دفتر کارش در ساختمان ریاست جمهوری و چه حتی در داخل هواپیما به هنگام سفر، پشت سر مجتبی هاشمی نماز میخواند و به او اقتدا میکند.

در انتها این نکته را هم باید در نظر داشت که فارغ از خواست و نظر هرکدام از جناحهای حکومتی برای پیشبرد طرح و جانداختن کاندیدای مطلوب خود، نهایتاً واقعیات گریزناپذیر صحنه سیاسی و اجتماعی ایران و عوامل مختلف و متعدد و متضاد موجود در آن، تعیین کننده سیر تحولات آتی انتخابات رژیم خواهند بود. مسیری که پیش بینی دقیق اتفاقات آن حتی برای باندهای درگیر و بازیگران اصلی صحنه نیز از هم اکنون میسر نیست... کسی چه میداند شاید این "انتخابات" هیچ برنده واقعی حتی در درون رژیم نداشته باشد و چه بسا فقط یک بازنده داشته باشد و آن هم کل نظام ولایت فقیه با تمام باندهای متخاصم درونی اش باشد.

فرخ حیدری

HeidariFarrokh@gmail.com

پانویس:

۱- مشاور عالی جنایت! - فرخ حیدری

<http://news.gooya.com/politics/archives/2012/09/147569.php>

۲- افشاگری طائب علیه احمدی نژاد و مشایی

<http://fararu.com/fa/news/83025>/افشاگری-طائب-علیه-احمدی-نژاد-و-مشایی

۳- در این مقاله بخاطر اجتناب از طولانی شدن مطلب، اساساً به عوامل و پارامترهای مهم دیگری همچون نقش مردم و مقاومت و اپوزیسیون داخل و خارج و قدرتهای خارجی و لابیست ها و دلالان سیاسی و تحریم و نفت و اتم و... پرداخته نشد.

+++++

برچیده تبرستان از گویا نیوز: 10-4-2013

<http://news.gooya.com/politics/archives/2013/04/158111.php>